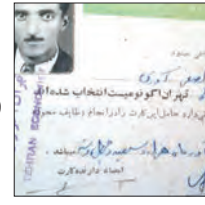


روایت نو

شهر زد

سازمان امنیت با یک «نقطه اضافه» همه روزنامه نگاران را احضار کرد



روایت یک اعلان

دندان های سگ مرده

امژگان جعفری | روزنامه نگار

اعلان
دکتر لوی حکیم دندان ساز و جراح
دهان دیلمه پاریس از مسافت آخیری که
تورود، بود مراجعت کرده در محکمه ایشان همه قسم
همه قسم دندانهای جدیدی ساخته می
عمود و کتابچه حفظ المصحه دهان و دندان
نیز میجانا داده می نمود
آدرس خیابان چراغ برق نمره ۱۱
۳ - ۴

اعلان - دکتر لوی حکیم دندانساز و جراح
دهان دیلمه پاریس از مسافت آخیری که نموده
بود مراجعت کرده در محکمه ایشان همه قسم
دندان های جدیدی ساخته می شود و کتابچه
حفظ المصحه دهان و دندان نیز میجانا داده می شود.

آدرس خیابان چراغ برق نمره ۱۱...

روزنامه ارشاد ۱۰ جمادی الثانی ۱۳۳۳ ق.
دندان پزشکی و دندانسازی در تاریخ متاخر ایران،
ماجرایی جالب دارد. از مسلمانی هابی که در کنار
اصلاح مو و انجام چندین فن پزشکی و بهداشتی،
دندان هم می کشیدند! آن هم چه کشیدنی!
ماجراها دارد درد دندان و کشیدن دندان های
پوسیده و خراب در تاریخ معاصر ایران. آن گونه
که منابع روایت می کنند، دندان پزشکی به معنای
امروزی، از میانه های دوره قاجار در ایران آرام آرام
رواج یافت. این کار، تا آن روزگار، به شیوه ای سنتی
انجام می شد. ورود برخی دندان پزشکان فرنگی به
ایران عصر قاجار، موجب شد این حوزه در آستانه
دگرگونی قرار گیرد. ورود این شاخه از طب نوین به
ایران، همچون بسیاری دیگر از پدیده های نوپه
وارداتی از فرنگ، با ایستادگی هایی در بنده جامعه
روبه رو شد. همین مسأله ماجراهایی جذاب را در
میان شهرنویسان ایرانی موجب شد. دندان پزشکی در
میان دو طیف موافقانی اندک اما موثر و مخالفان
پر شمار با مقاومتی شکننده، ایستاد. زمانه ایران
نوین اما در آستانه تغییراتی مهم بود. روشنفکران و
دانش آموختگان علوم تازه به یوز باز فرنگ بر گشتگان
بر آن بودند تا این سرزمین کهن را از حصار کهنه
مناسبات قدیم بیرون برده، دست کم از جنبه
اجتماعی، آن را به لوازم یک جامعه مدرن مجهز
سازند. آنگهی «حکیم دندانساز و جراح دهان» که
در سال ۱۲۹۴ خورشیدی، ۹ سال پس از پیروزی
جنبش مشروطیت در ایران در روزنامه منتشر شده
است و نیز دیگر آنگهی هایی از این دست، بخشی
از دگرگونی یادشده را آیین می کند. در کنار این
آنگهی، بازخوانی روایت جذاب جعفر شهری در جلد
دوم کتاب «طهران قدیم» به بیانی ساده می تواند
دگرگونی پیش گفته را نشان دهد.

دندانسازی خارجی یا خارج دپده

اواخر (مَنْظُورِ اواخر دوره قاجار) دندانسازی
ارمنی (اسم) (استانبول) با پایز و آنتی بیوتیک نوپه
صندلی بلند و کوتاشو و چرخ سنباده و مانند آن
پیدا شد. در خیابان چراغ برق محکمه های دایر کرده
بود که با صورت و قواعد بهتر عمل می نمود و از آن
جمله بود، کربخ دندان کشیدنی یا دارویی
مالینی و بیرون آوردن ریشه توسط همان دارو که
ریشه های چندین ساله را که روی آن را گوشت
پوشانده بود وسیله همان شکافته بیرون می آورد
و جلوگیری کردن از درد بعد از کشیدن دندان یا
دندان قرص آسپرین و پند آوردن خون آن با محلول
پرمنگنات و آب نمک و دارویی باسم (کروزت) که
عوام (کل رضایش می گفتند جهت ساکت کردن
دندان های درد کن که مخصوص این دارویش
کمک به شهرت او می نمود، و بعد از او دندانسازی
روسی که به صورت سیاح چوگانگرد به تهران آمده
بود و به طور سیراگرد کوچه و بازار طبابت می کرد،
که خیلی و چسب و رنگ زنگی و درد و مانند آنرا
نیز مداوا می نمود و غیر علاج های آن را می کشید
به طوری که اصلا کلتین بکار نمی برد و دردی نیز
بروز نمی نمود، و طریقه اش در دندان کشیدن این
بود که در ویس مایع به اطراف دندان می مالید و با
چاقو گوشتی دندان را از او جدا می کرد و پس از
دو سه دقیقه آنرا با پارچه گرفته یکی دو مرتبه
اطراف داده جاکن نموده بیرون می کشید، بعد
از آن گردی تر آب سرد حل کرده به بیمار می داد
که در دهان می گرفت و جراحات چاقو را التیام
می بخشید. دندانسازی بمعنای واقعی که دندان
ساخته در دهان بگذارند، چنانچه امروز می کنند
و بنام دندان مصنوعی شناخته شده است، هنوز
رسم نشده بود و از کارهای غیر قابل قبول مردم و
از مذاکرات و دانسته های عجیب و غریبشان بود
که با تردید برای هم تعریف می کردند! ظهور آن
در تهران یکی از جنب دندان هادی که در دهان
پیروانی های از فرنگ بر گشته دیده می شدند بود
بعد از آن دندان هایی که توسط همین استانبولیان
کم و بیش ساخته شده آفشان را لباس حقیقت
می پوشانید، اما با این همه هنوز مردم آنرا قبول
نکرده مورد تاییدشان قرار نمی گرفت و وای بحال
بنده خدایی بود که شناخته نشود دندان مصنوعی
در دهانش می باشد که راه و نیمه راه جلوش را
گرفته واقعیت آنرا جویا می شدند که باید دهان
گشوده بنظرشان برساند و در آخر هم خود دندان
را که منکر بوده می گفتند آنها دندان های سنگ مرده
می باشد که کنده جفت و جور می کنند و لثه آنرا که
آنرا آب کرده و پی و گی مرده های دانستند حاصل
این مسأله آن که دندان مصنوعی گذار از آن جا که
استخوان و اعضای مراد در دهانش می باشد نه تنها
غذایی که خورده آبی که می نوشد حرام و مراد
بلکه نماز و روزه هم نامدرست و خراب می باشد!



تربیت کودکان
در تاریخ معاصر ایران به دور روایت
رسم فرزنداناری

جامعه معاصر ایرانی چگونه در تربیت نسل تازه از رساله های تدبیر منزل به شیوه ای نوین رسید

پرورش کودکان در گذر زمان



آموزش و پرورش کودکان در مکتب خانه ها در دوره قاجار، این شیوه ها را در مدرسه های جدید بر چیده شد / عکس از دست هولات سر

زهر ا حاتم | تاریخ پژوه | خواجه نصیرالدین توسی، اندیشمند
نامدار ایرانی هفت سده پیش در کتاب «اخلاق ناصری» نوشت
«ادختران را در ملازمت خانه و حجاب و وقار و عفت و حیاء و دیگر
خصالی که در باب زنان بر شمردیم، تربیت باید فرمود و خواندن و
نوشتن منع نموده و هرهایی که از زنان محمود باشد، آموخت و چون
به حد بلوغت رسند یا کفوی موافقت باید ساخت.» این رهنمودها
نه در وادی فلسفه، که در زمینه اخلاق عمومی، ایراد می شدند و
همانگونه که نشانگر شیوه پرورش و تربیت مطلوب و آرمانی در
جامعه ایرانی هفت سده پیش به شمار می آمدند، خود از افکار و
باورهای همگانی مردمی بر خاسته اند که خواجه نصیر در میان شان

می زیست و از آن هابر خاسته بود. عامل جنسیت، بدین سان تا دوره
معاصر، بیش و پیش از عواملی چون طبقه اجتماعی و مذهب، بر
شیوه پرورش کودکان در ایران تاثیر گذار بود. رساله های تدبیر
منزل به بهترین شکل، گرایش تفکر ایرانیان را در باره شیوه مطلوب
پرورش کودکان نشان می دهند. این شیوه نامه ها که به سفارش
بزرگان و اشراف جامعه و برای آنان نوشته می شدند با حذف نقش
تربیتی مادران - به پیروی از واقعیت زندگی اشراف - مخاطب خود
را از میان مردان - پدران - برگزیده، به آنان می آموختند که باید
روش متفاوت تربیتی را برای دختران و پسران خود در نظر گیرند.
آموزش خواندن و نوشتن، آشنایی با قرآن و دستورات مذهبی و

آموزختن پیشه های متناسب با ذوق، استعداد و شغل موروثی خانواده،
از حقوق اساسی پسران و وظایف پدران شان به شمار می آمد. این
سینا، خواجه نصیر و برخی دیگر از نویسندگان متون اخلاقی از
جمله افرادی اند که بر لزوم آموختن حرفه و صنعتی به پسران به
اقتضای قریحه فردی و ذوق و علاقه درونی آنها تاکید می کردند
«استادی که می خواهد صنعت بیاموزد باید بداند که نمی تواند به
شهر گردی در صنعتی را تعلیم کند بلکه هر کدام از شاگردان ذوق
و شایستگی آموختن و فرا گرفتن صنعت مخصوصی را دارند. باید
به هر کس مناسب ذوق و استعدادش، صنعت آموخت و گر نه تعلیم
و تربیت نتیجه مطلوبی ندهد.»

۵ سالگی درباره پسران، که توانایی کمک به پدر را در پرورش
موروثی همچون کشاورزی و دامداری می یافتند و درباره
دختران تا زمان ازدواج که در سن پایین و پس از رسیدن به
بلوغ جسمانی یعنی ۹ سالگی انجام می گرفت، بیش از پدر، در
پرورش کودکان نقش بازی می کردند. مکتب خانه ها که در
مسجدها یا خانه ملائی مکتب دار یا دکان هایی در دل بازار و
سرسر گذرها برگزار می شد، مکانی برای آموزش ابتدایی
کودکان خانواده های عادی بود که البته درست مانند اشراف
جامعه، بیش ترین تعداد شاگردان آن را پسران تشکیل
می دادند. دختران نیز با این حال، گاه می توانستند نزد زنان
به نام ملاجیه که عمدتاً همسران ملاهای مکتب دار بودند، گاه
داستان هایی چون عاق والدین و خاله سوسکه بیاموزند بی آن
که امکان یادگیری نوشتن را داشته باشند.

آنگاه که یک زن به رویارویی
بار رساله تدبیر منزل بر می خیزد
آشنایی ایرانیان با افکار نوپه غربی در دوره قاجاریه،
نگاه آنان به مفهوم کودک و جایگاه کودکان در جامعه را
اندک اندک تغییر داد، در دگرگونی شیوه پرورش و تربیت
آنان نقشی اساسی ایفا کرد. از اواخر دوره قاجاریه انتقاد نسبت
به شیوه پرورش کودکان، ابتدا در میان خانواده های بزرگان و
اشراف ایرانی آغاز شد و کارآمدی شیوه سنتی پرورش کودکان
با تردیدهایی جدی روبه رو شد. تاج السلطنه دختر ناصرالدین
شاه برای نخستین بار در دوره مظفری، از شیوه تربیتی رایج
در رساله های تدبیر منزل انتقاد کرد. او مادر را مربی اخلاق
می دانست و نیز بر این باور بود که تربیت دوره کودکی بر
اخلاق فرد در بزرگسالی تاثیر بسیار می نهاد، از این رو آشکارا
از شیوه پرورش و تربیت خود در دوره کودکی در حرم سرای
شاهی انتقاد کرد. به نظر او عواملی چند چون «تن پروری،
خیالات فاسد، ایهت ها و هنر فروش های بی جا و از آغوش
مادر جدا کرده و مجبور به انس گرفتن با کسانی چون دایه،
دده و ننه و ... کرده که همیشه دگرگان به آنان با نظر حقارت
نگریسته اند، با بهایم و وحوش فرقی نداشته اند در وادی جهل
نشو و نما یافته اند»، او که نخستین فریضه و وظیفه هر مادر
را تهذیب اخلاقی اولاد خود می دانست با الهام از سخنان ژول
سیمون فرانسوی، خانه و مدرسه را مکان ریش اخلاق کریمه
می دانست و «اصلاح حال زنان و تربیت آنان» را مقدمه تربیت و
اصلاح سیاسی به شمار می آورد.

منورالفکرها در طی هر چه نود تربیت کودک
تاج السلطنه در نقد الگوهای رایج تربیتی اما آنها نبود. در
۵ سالگی درباره پسران، که توانایی کمک به پدر را در پرورش
موروثی همچون کشاورزی و دامداری می یافتند و درباره
دختران تا زمان ازدواج که در سن پایین و پس از رسیدن به
بلوغ جسمانی یعنی ۹ سالگی انجام می گرفت، بیش از پدر، در
پرورش کودکان نقش بازی می کردند. مکتب خانه ها که در
مسجدها یا خانه ملائی مکتب دار یا دکان هایی در دل بازار و
سرسر گذرها برگزار می شد، مکانی برای آموزش ابتدایی
کودکان خانواده های عادی بود که البته درست مانند اشراف
جامعه، بیش ترین تعداد شاگردان آن را پسران تشکیل
می دادند. دختران نیز با این حال، گاه می توانستند نزد زنان
به نام ملاجیه که عمدتاً همسران ملاهای مکتب دار بودند، گاه
داستان هایی چون عاق والدین و خاله سوسکه بیاموزند بی آن
که امکان یادگیری نوشتن را داشته باشند.

به تدریج و بسا چنین پیش زمینه هایی، مسائلی چون آمار
بالای مرگ و میر کودکان و لزوم آموزش همگانی برای همه
کودکان فارغ از جنسیت آنان مورد توجه روزنامه نگاران پیشرو
قرار گرفت. شیوه نوین پرورش در ایران به تدریج رسم و رایج
شد؛ از جمله مشخصه های مهم آن، همکاری پدر و مادر در
پرورش کودکان، بسط زمانی دوره کودکی و تعیین دوره
جوشی به عنوان سن آغاز پرورش کودکان را می توان اشاره
کرد. این جریان بر پایه تغییر نگاه نسبت به ازدواج و زندگی
مشترک در حال شکل گیری بود؛ نگاهی تازه که از ازدواج را
دستاورد صمیمیت و عشق میان دو تن می دانست و آن ها
توافق روحی و معنوی خود را در همه مراحل زندگی مشترک
از جمله تربیت فرزندان نیز حفظ می کردند. ایرانیان از این پس
اندک اندک با غذا، لباس، اتاق و اسباب و لوازم مخصوص
کودکان آشنایی پیدا کردند. خانواده ها همچنین با همگانی
شدن آموزش برای کودکان همه طبقات اجتماعی، به از تباطی
همینگی و پیگیری با اولیای مدرسه برانگیخته شدند. وظیفه
پرورش کودکان، در این شیوه جدید میان خانه و مدرسه
تقسیم شده؛ نه تنها نهادهایی جدید چون کودکانستان بخشی
از آموزش پیش دبستان را برعهده گرفتند، که بخش خصوصی
و دولتی با انگیزه حمایت از همه کودکان به ویژه کودکان فقیر
و بی سرپرست به راه اندازی نهادهای اجتماعی در این زمینه
همچون شیر خوارگاه و پرورشگاه روی آوردند.
منابع گزارش در دفتر روزنامه موجود است.

برونده بارگیری در تاریخ

زرتشتیان نیکوکار
میراث داران ایران کهن

حکایت رنج و شعر و امید
در تاریخ نیشابور



زرتشتیان نیشابور در بازارهای آن روز دنیا در
سکه های نیشابور در بازارهای آن روز دنیا در
سکه های نیشابور در بازارهای آن روز دنیا در
سکه های نیشابور در بازارهای آن روز دنیا در

در نخستین سده های اسلامی در ایران هنگامی
سکه های نیشابور در بازارهای آن روز دنیا در
سکه های نیشابور در بازارهای آن روز دنیا در
سکه های نیشابور در بازارهای آن روز دنیا در

جای خوشحالی و درنگ است که هنوز در
جای جای ایران آیین ها و رسومی کهن به اجرا
درمی آید که در پیوند با اندیشه عامه و افسانه ها
و اسطوره های دیر سالر اند؛ پیوندی که امروز ما را
چون حلقه های زنجیر با گذشته گرمه می زند...

راویان نو

تبریز قحطی زده

دکتر غلامعلی آدرخشی |
در سالی که ما در گذشت جنگ جهانی اول
هنوز به نیشابور در بازارهای آن روز دنیا در
سکه های نیشابور در بازارهای آن روز دنیا در
سکه های نیشابور در بازارهای آن روز دنیا در

مقاله «تبریز قحطی زده - مرگ مادر - ناله
ارواح - چغاله هفتاد» در کتاب «خاطرات
سیاسی و تاریخی» سردر محمدعلی
جمالزاده، شمس الدین میرعلایی، سیفالله
وحیدنیواو...